



«اربعین» جلوه‌ای از تمدن مهدوی

حمید بیاتی

مقدمه

«... یک زنجیره منطقی وجود دارد؛

... حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است»^(۱).

بنابراین می‌توان مسیر تحقق این تمدن را در پنج مرحله ترسیم کرد:

۱. **انقلاب اسلامی:** ایجاد زیرساخت

سیاسی و فرهنگی برای تغییر؛

۲. **نظام اسلامی:** شکل‌گیری ساختار

حقوقی و نهادی (جمهوری اسلامی)؛

۳. **دولت اسلامی:** اجرای کامل قوانین

اسلامی و کارآمدی نظام؛

پیش از تحلیل جایگاه هجرت اربعینی، لازم است تصویری روشن از الگوی تمدنی موردنظر ترسیم شود. از دیدگاه اندیشمندان شیعی، تمدن نوین اسلامی دارای مؤلفه‌هایی چون «عدالت محوری»، «علم‌گرایی و عقلانیت و حیانی»، «اخلاق‌مداری»، «مشارکت عمومی» و «اقتصاد مردمی» است.

از منظر امام شهید انقلاب علیه السلام، هدف نهایی انقلاب اسلامی، دستیابی به تمدن نوین اسلامی است که برای تحقق آن، باید پنج مرحله اساسی «انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی» سپری شود. ایشان در این باره می‌فرمایند:

۱. بیانات قائد شهید علیه السلام در دیدار دانشجویان کرمانشاه؛

مورخ: ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

۴. **جامعه اسلامی:** نهادینه شدن ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی؛

۵. **تمدن نوین اسلامی:** ارائه الگویی ابتدایی برای زیست مطلوب الهی به جهان وزمین‌سازی برای حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف.

براساس این الگو، اربعین نه در مرحله نخست (انقلاب) و نه در مرحله نهایی (تمدن)، بلکه دقیقاً در مرحله «جامعه اسلامی» جای می‌گیرد و پل ارتباطی به سوی «تمدن» است.

بخش اول: هجرت و اربعین در آئینه قرآن، روایات و بیانات رهبری

۱. هجرت در قرآن: فرمان حرکت برای ساختن قرآن کریم بارها بر ضرورت هجرت تأکید کرده است. به دو آیه کلیدی در این زمینه اشاره می‌شود:

آیه اول: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا؟﴾^(۱) «کسانی که فرشتگان جان‌شان را می‌گیرند در حالی که بر خود ستمکار بوده‌اند، [به آن‌ها]

می‌گویند: در چه حالی بودید؟ می‌گویند: ما در زمین مستضعف بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن هجرت کنید؟»

منظور از «ظالمی أنفسهم» کسانی هستند که با ماندن در سرزمین کفر و ترک هجرت، بر خود ستم روا داشته‌اند. استضعاف، هرگز عذر موجهی برای ترک هجرت نیست؛ زیرا زمین خدا وسیع است و انسان می‌تواند با هجرت، دین و زندگی خود را نجات دهد.^(۲) این آیه به روشنی نشان می‌دهد که «هجرت» وظیفه‌ای الهی است. کسانی که در معرض ظلم و یا گناه واقع می‌شوند و هجرت نمی‌کنند، در پیشگاه خدا مؤاخذه می‌شوند. هجرت، مقدمه هرگونه تحول و تمدن‌سازی است.^(۳) هجرت از سرزمین ظلم و کفر به سرزمین عدل و ایمان، نخستین گام برای بنیان‌گذاری تمدن اسلامی است؛ همان کاری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با هجرت از مکه به مدینه آن را محقق ساخت.

آیه دوم: ﴿وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي

۲. المیزان، سید محمد حسین طباطبائی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۲۶.
 ۳. تفسیر نمونه، آیه الله مکارم شیرازی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۱۸.

الْأَرْضُ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً»^(۱) «وهرکس در راه خدا هجرت کند، در زمین جایگاه امن و گشایش فراوانی خواهد یافت».

«مراغم» به معنای جایگاه امن و محل نجات از دشمن است و «سَعَةً» به معنای گشایش در روزی و زندگی. هجرت در راه خدا نه تنها تنگنا ایجاد نمی‌کند، بلکه درهای امنیت و گشایش را به روی انسان می‌گشاید.^(۲) پیامبر ﷺ با هجرت به مدینه، از شرقیش نجات یافت و فرصت ساخت دولتی قدرتمند و تمدنی ماندگار را پیدا کرد.

۲. اربعین در روایات معتبر شیعی؛ نشانه ایمان و تفرین تحول

زیارت اربعین در منابع روایی شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد که به دوروایت مهم اشاره می‌کنیم:

روایت اول از امام حسن عسکری علیه السلام: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ الْخَمْسِ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ، وَتَغْفِيرُ الْجَبَاهِ، وَالْجَهْرُ بِسَمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^(۳)

۱. نساء، ۱۰۰.

۲. المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۵، ص ۱۳۰.

۳. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۱۳، باب زیارات.

نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: نمازهای پنج‌گانه، زیارت اربعین، انگشتی به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن [در سجده]، و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم».

امام حسن عسکری علیه السلام زیارت اربعین را در کنار نماز که ستون دین است، به عنوان «نشانه ایمان» معرفی می‌کنند. این بدان معناست که اربعین فقط یک عمل مستحب ساده نیست؛ بلکه هویت و باور عمیق یک مؤمن را نشان می‌دهد. در حقیقت، کسی که زائر اربعین است، با تمام وجود با امام حسین علیه السلام تجدید بیعت می‌کند و خود را برای تحقق آرمان‌های آن حضرت که همان عدالت و تمدن الهی است، آماده می‌سازد.

روایت دوم از امام صادق علیه السلام: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَتَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسَرَاتٍ. قُلْتُ: وَمَا فِيهِ؟ قَالَ: مَنْ أَتَاهُ تَشَوُّقًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَأَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَأَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ»^(۴) امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر مردم

۴. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، مطبعة المرتضوية، نجف اشرف، ۱۳۵۶، ص ۱۴۲.

می دانستند که زیارت قبر حسین علیه السلام چه ارزش و فضیلتی دارد، بی گمان از شدت شوق جان می سپردند و از حسرت ازدست دادن آن، دل هایشان پاره می شد. راوی پرسید: «فضیلت آن چیست؟» فرمود: «هر که از روی عشق و اشتیاق به زیارت او رود، خداوند پاداش هزار حج و هزار عمره پذیرفته شده و همچنین اجر هزار شهید از شهدای بدر را برای او می نویسد.»

این ثواب عظیم نشان می دهد که زیارت امام حسین علیه السلام، انسان را از نظر روحی و عملی به مقام شهدا نزدیک می کند. شهدا کسانی هستند که جان خود را در راه خدا فدا کردند و تمدن اسلامی مرهون جان فشانی های آنان است؛ زائر اربعین نیز با تحمل سختی های راه، تمرین شهادت طلبی و ایثار می کند و این همان روحیه لازم برای تمدن سازی است. این تشابه در ثواب، نشان می دهد که اربعین می تواند انسان را به مقام شهیدان نزدیک کند؛ یعنی به مقام «تحول همه جانبه در راه خدا».

۳. پیوند هجرت و اربعین در نگاه رهبری

امام شهیدمان علیه السلام، هجرت و اربعین را دو فصل مرتبط از یک حقیقت واحد

می دانستند. ایشان هجرت را مبدأ تاریخ جدید اسلامی و زیربنای تشکیل دولت و تمدن اسلامی معرفی کرده اند؛ همچنین، اربعین را پدیده ای الهی و تاریخی می شمارند که نشان می دهد راه حسین بن علی علیه السلام راه عشق همراه با بصیرت است.

ایشان دریکی از خطبه های نماز جمعه فرمودند: «ماجرای عاشورا و حادثه خونینی که در سال شصت و یکم هجرت به وجود آمد، دنباله هجرت پیغمبر بود برای تشکیل نظام اسلامی بود؛ منتها پیغمبر می خواست این نظام را بنیان گذاری کند و حسین بن علی می خواست این نظام را بازسازی کند.... این تفسیر درست حادثه عاشورا و فهم صحیح مسأله هجرت است.»^(۱)

به تعبیر دیگر، اگر هجرت را حرکت از مرکز شرک و ظلم به سوی مرکز ایمان و عدالت بدانیم، اربعین نیز حرکتی از سراسر جهان به سوی کربلا، یعنی مرکز شهادت و آزادگی است. هجرت، «ساخت تمدن» را به امت آموخت و اربعین، «حفظ و

۱. بیانات قائد شهید علیه السلام در خطبه های نماز جمعه؛ مورخ: ۱۳۶۶/۰۶/۰۶.

گسترش تمدن» را هر سال تمرین می‌کند. کسی که هجرت را فهمید، می‌داند چگونه از بحران عبور کند و کسی که اربعین را درک کرد، می‌آموزد چگونه برای تمدن جاودانه جان دهد.

رهبر شهید انقلاب علیه السلام در بیانات متعدد خود، اربعین را پدیده‌ای «بی نظیر و شگفت‌انگیز» توصیف کرده‌اند که غرب از درک آن عاجز است. ایشان می‌فرمایند: «برخی رسانه‌های غربی مدعی شدند که این مراسم عظیم توسط دولت‌ها برگزار شده است؛ اما کدام دولت می‌تواند ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر را وادار کند که مسافتی حداقل ۸۰ کیلومتر را پیاده بروند؟ حتی اگر تصور کنیم دولت‌های عراق و ایران این حرکت عظیم را شکل داده‌اند، باز هم یک معجزه است. غرب اگر می‌توانست چنین حرکتی را ایجاد می‌کرد^(۱)».

این سخن نشان می‌دهد که اربعین یک «پدیده خودجوش مردمی» مبتنی بر ایمان و عشق است، نه یک مراسم دولتی، و دقیقاً به همین دلیل، ظرفیت تمدن‌سازی دارد.

رهبر شهید انقلاب علیه السلام همچنین اربعین را «زمینه‌ساز تحقق هدف نهایی امت اسلامی، یعنی برپایی تمدن نوین اسلامی» معرفی کرده‌اند: «راه‌پیمایی بزرگ اربعین موضوعی منحصربه‌فرد و جهانی است که زمینه را برای گسترش معرفت حسینی و ساخت تمدن نوین اسلامی فراهم می‌کند^(۲)».

دریانی دیگر، ایشان اربعین را «نشانه اراده الهی برای پیروزی امت اسلامی» و «نماد جلال الهی» می‌دانند. ایشان همچنین بر ضرورت پیوند میان مسلمانان شیعه و سنی و ملیت‌های مختلف در جریان این راه‌پیمایی تأکید کرده‌اند.^(۳)

بخش دوم: مؤلفه‌های مشترک تمدنی هجرت نبوی و اربعینی

با تحلیل دو پدیده هجرت و اربعین، پنج مؤلفه مشترک تمدنی استخراج می‌شود:

۱. بازسازی هویت؛ از خود پراکنده تا خود امتی

الف) در جامعه نبوی: مهاجران مکه، هویت قبیله‌ای خود را رها کرده و هویت

۲. همان.

۳. همان.

۱. بیانات قائد شهید علیه السلام در جمع موبک‌داران عراقی؛ مورخ: ۱۳۹۸/۰۶/۲۷.

«مسلمان امتی» را پذیرفتند. پیامبر ﷺ بین مهاجر و انصار پیمان برادری (مؤاخات) بست و هویت جدیدی برپایه «عقیده»، نه «نسب»، بنیان نهاد.

ب) در جامعه اربعینی: هر تمدنی نیازمند «انسان‌هایی با صفات خاص» است. اربعین در چهار سطح اخلاقی، عبادی، عقلانی و اجتماعی، انسان تمدنی و امتی تربیت می‌کند:

در سطح اخلاق، با صبر و ایثار و تواضع و خدمت بی‌چشمداشت؛ در سطح عبادی با حرکت دسته‌جمعی برای خدا و اخلاص در خدمت؛ و در سطح عقلانی با مدیریت میلیونی جمعیت بدون نیروی نظامی؛ و نهایتاً در سطح اجتماعی با انسجام و همبستگی و ایجاد امت واحده.

تمدن‌سازی (جامعه اسلامی) نیازمند «انسجام اجتماعی» است. اربعین عملاً این انسجام را به نمایش می‌گذارد؛ در موکب‌ها، فقیر و غنی غذای یکسان می‌خورند و این، عدالت عملی است. اربعین با کناره‌هم قرار دادن ملیت‌های گوناگون (از ایرانی، عراقی، پاکستانی و اروپایی گرفته تا دیگر ملت‌ها) مرزهای ساختگی را درهم می‌شکند و با نهادینه

کردن روحیه خدمت به دیگری، انسان را از خودخواهی به دیگرخواهی و در نهایت، از خود به خدا هجرت می‌دهد. اینجا است که هجرت اربعینی رخ می‌دهد.

این تجربه عینی، پیش‌نیاز شکل‌گیری «جامعه جهانی منتظر» است؛ جامعه‌ای که در آن نژاد، ملیت و طبقه معنا ندارد. زائران از هر قوم و زبان، هویت ملی و قبیله‌ای خود را در نمادهایی چون پرچم حفظ می‌کنند؛ اما در عمل، هویت «حسینی» بر همه چیز غلبه دارد. عرب و عجم، سیاه و سفید، غنی و فقیر در یک صف حرکت می‌کنند.

خداوند متعال در سوره حجرات، آیه ۱۰ می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند».

این آیه، همه موانع نژادی، زبانی، ملی و طبقاتی را کنار می‌زند و برادری دینی را به عنوان قوی‌ترین پیوند انسانی معرفی می‌کند. تمدن اسلامی بر پایه همین برادری بنا شده است.^(۱) در حدیثی از رسول گرامی اسلام ﷺ نیز نقل شده است: «لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ إِلَّا

۱. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۲، ص ۳۱۵.

بِالتَّقْوَى؛^(۱) هیچ عرب را بر عجم برتری نیست مگر به تقوا».

در جامعه نبوی، پیامبر ﷺ با برقراری پیمان برادری (مؤاخات) میان مهاجران (عرب مکی) و انصار (عرب مدنی و یهودی)، همه موانع قبیله‌ای را کنار زد. در اربعین نیز زائرانی از هر قوم و زبان، بدون توجه به نژاد و ملیت در کنار هم حرکت می‌کنند. به فرموده قائد شهید انقلاب ﷻ، هجرت و اربعین هر دو مرزهای جاهلی را در هم می‌شکنند و تصویری از «امت واحد» را به نمایش می‌گذارند.^(۲)

۲. گذار از بحران به فرصت (تبدیل تهدیدها به قدرت)

الف) در جامعه نبوی: مکه برای پیامبر ﷺ به زندان تبدیل شده بود (تحریم شعب ابی طالب، شکنجه، توهین). هجرت به مدینه، آن تهدید را به بزرگ‌ترین فرصت تاریخی تبدیل کرد و در مدینه، دولت اسلام متولد شد.

ب) در جامعه اربعینی: استکبار جهانی

همواره سعی در کم‌رنگ کردن عاشورا و معارف ظلم‌ستیزانه آن داشته است؛ اما اربعین، این تهدید را به فرصتی برای نمایش عظمت تشیع تبدیل کرده است. این راه‌پیمایی بیست میلیونی، از حماسه حسینی تمدن حسینی را ساخت و زیست ذیل این تمدن عظیم را به بشریت بشارت داد.

در سوره بقره، آیه ۲۱۶ می‌فرماید: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»؛ «چه بسا چیزی را خوش ندارید، در حالی که برای شما خوب است». این آیه به انسان می‌آموزد که سختی‌ها و تهدیدها ممکن است در پس خود خیر و برکتی عظیم داشته باشند. مؤمن نباید از بحران بترسد؛ بلکه باید آن را به فرصت تبدیل کند. همچنین در حدیثی از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ»؛^(۳) صبر، کلید گشایش است». این یعنی ما باید از دل تهدیدها و تحریم‌ها، فرصت بسازیم؛ همان کاری که جریان اربعین انجام می‌دهد.

۱. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۶۲.
۲. برداشت از بیانات در دیدار خادمان اربعین، ۱۳۹۶/۰۸/۱۴.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۵، ح ۲۵۶۷.



۳. ساختار مردمی و افقی^(۱) (نفی استبداد و اشرافی‌گری)

الف) در جامعه نبوی: دولت مدینه بر پایه شورا و مشارکت مردم شکل گرفت. پیامبر ﷺ، بدون توسل به اجبار، با انصار پیمان بست و مهاجران را متناسب با توانایی‌ها و ظرفیت‌هایشان در جامعه اسلامی سامان داد.

ب) در جامعه اربعینی: هیچ دولت و نهاد مرکزی، موبک‌ها را اداره نمی‌کند. همه چیز خودجوش، مردمی و شبکه‌ای است. خادم وزائر مرز مشخصی ندارند؛ همه مسئول همه‌اند. این ساختار «پایین به بالا»، دقیقاً برعکس نظام‌های استبدادی و طبقاتی است.

در سوره شوری، آیه ۳۸ می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»؛ «و کارهایشان با مشورت میان خودشان انجام می‌شود». شورا یکی از ارکان جامعه اسلامی است. در تمدن اسلامی، مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها، مسئولیتی همگانی است و مسئولیت اجتماعی به گروهی خاص با عنوان «مقامات مسئول» محدود

نمی‌شود. تصمیمات نباید تحمیلی و از بالا باشد.^(۲) در این باره از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛^(۳) همه شما نگهبانید و همه شما در برابر زیردستان خود مسئولید.

آنچه در اربعین می‌بینیم، قدرت «مردم‌محوری» و «خودجوشی» است. تمدن نوین اسلامی نیز بدون اتکا به مردم محقق نخواهد شد.

۴. اقتصاد مقاومتی و مواسات (نقد سرمایه‌داری)

تمدن نوین اسلامی، نظام اقتصادی خاصی دارد که شهید صدر در کتاب «اقتصادنا» به تبیین آن پرداخته است.

الف) در جامعه نبوی: پیامبر ﷺ در مدینه، بازار جداگانه‌ای برای مسلمانان ایجاد کرد که در آن ربا، کم‌فروشی و احتکار نبود. اقتصاد مدینه بر پایه «مواسات» و «انفاق» استوار بود.

ب) در جامعه اربعینی: در راه‌پیمایی اربعین، اقتصاد بخشش و مواسات جاری

۱. ساختار افقی ساختار مردم پایه است مردمی که مسئول‌اند برخلاف ساختار طولی که قدرت محور است و رئیس محور.

۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۱، ص ۳۹۳.
۳. تحف العقول، ابن‌شعبه حرانی، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴.

است. هیچ پولی در موکب‌ها رد و بدل نمی‌شود. خادمان، بدون انتظارِ مزد، خدمت می‌کنند و ثروت از طریق خدمت به زائران، به شهرهای فقیر عراق سرازیر می‌شود و این، به معنای توزیع عادلانهٔ ثروت است.

این الگو، نقدی عملی بر نظام سرمایه‌داری مبتنی بر سود و ربا به شمار می‌آید. جلوهٔ این ویژگی تمدنی را می‌توان در آیهٔ ۹ سورهٔ حشر نیز مشاهده کرد: «وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»؛ «و دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند».

این آیه در شأن انصار مدینه نازل شد که با وجود فقر خود، مهاجران را بر خود مقدم داشتند. بالاترین درجهٔ ایمان، اِثَار است؛ یعنی دیگران را بر خود ترجیح دادن.^(۱) در حدیثی از امام باقر (ع) نقل شده است: «مُؤَاسَاةُ الْأَخِ الْمُؤْمِنِ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَائِضِ»؛^(۲) «مواسات و دستگیری و همدردی با برادر مؤمن، از بزرگ‌ترین واجبات است».

۱. المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۱۹، ص ۲۳۳.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۷۰.

در جامعهٔ نبوی، انصار با اِثَار و از خودگذشتگی خویش، الگوی اقتصادِ مبتنی بر مواسات را به نمایش گذاشتند. در جامعهٔ اربعینی نیز اقتصادِ بخشش و مواسات جاری است. اقتصاد اسلامی نباید شبیه اقتصاد لیبرالی مبتنی بر سود و ربا باشد؛ بلکه باید بر پایهٔ بذل، عطا و اِثَار و در یک کلام مواسات استوار گردد.

۵. تولید علم و قدرت از دل نیاز

الف) در جامعهٔ نبوی: پیامبر (ص) در مدینه، «صُفَّهُ» را که محل زندگی فقرای اصحاب پیامبر اسلام (ص) بود و در گوشه‌ای از مسجد النبی قرار داشت، به نخستین مرکز تربیتِ مبلّغان و دانشمندان اسلامی تبدیل کرد. نیاز به حفظ قرآن، تفسیر، فقه و آمادگی نظامی متناسب، موتورِ تولید علم در جامعهٔ نبوی شد.

ب) در جامعهٔ اربعینی: مدیریت بیست میلیون زائر در سه روز، نیازمند نوآوری در ترویج معارف دین، زنجیرهٔ تأمین، بهداشت، امنیت، تغذیه، حمل و نقل و فناوری اطلاعات است. نرم‌افزارهای کاربردی مسیریاب، پزشکی از راه دور، و مدیریت هوشمند عبور و مرور، همه از برکت اربعین متولد شده‌اند.



لازمه پیشرفت، علم است و علم در پاسخ به نیازها، به صورت جهشی و تصاعدی رشد می‌کند. ازاین‌رو، علم و علم‌آموزی در اسلام بسیار مورد توجه است. در سوره زمر، آیه ۹ می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ «بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟» این آیه به روشنی جایگاه والای اهل علم و برتری آنان را بیان می‌کند. تمدن اسلامی بدون علم و دانش محقق نمی‌شود. در حدیث نبوی نیز وارد شده است: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»^(۱) طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. ما نیز باید از اربعین و هجرت، یک دانشگاه بزرگ علمی بسازیم و از دل نیازهای عینی، علم و فناوری بومی تولید کنیم.^(۲)

۶. الگوی تشکیلات و مدیریت مردم‌محور و شبکه‌ای

الف) در جامعه نبوی: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تشکیل شورای مهاجر و انصار، و نوشتن «صحیفه مدینه» (قانون اساسی)، اولین

دولت مبتنی بر مشارکت مردمی را بنا نهاد.

ب) در جامعه اربعینی: موکب‌های اربعین هزاران «گروه مستقل» هستند که بدون فرمان مرکزی و تنها به دلیل عشق به حسین (علیه السلام) و بارعایت «بنیان مرصوص»، هماهنگ عمل می‌کنند. اربعین، قدرت «مدیریت شبکه‌ای» را به نمایش می‌گذارد؛ بدون یک وزارتخانه و بدون بودجه دولتی، میلیون‌ها انسان به زیبایی اداره می‌شوند.

در سوره صف، آیه ۴ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»؛ «خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او صف کشیده جنگ می‌کنند، گویی بنایی آهنین و به هم پیوسته‌اند».

«بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» یعنی ساختاری محکم و به هم پیوسته که هر جزء آن در جای خود قرار دارد. این آیه توصیف یک «تشکیلات منسجم و شبکه‌ای» است که بدون نیاز به دستورات مدام، به صورت هماهنگ حول محور حق عمل می‌کند.^(۳)

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۳۰.

۲. رجوع به بیانات امام شهید انقلاب (علیه السلام) در دیدار

اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۶/۰۷/۲۷.

۳. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۴، ص ۱۲۴.

بخش سوم: رسانه و روایت‌سازی تمدنی؛ درس‌هایی از هجرت و اربعین برای جهاد تبیین

یکی از مهم‌ترین ارکان هر تمدن، «روایت مسلط» آن است. تمدن غرب با بهره‌گیری از سینما، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خبری، روایت خود را جهانی کرده است. در مقابل، تمدن نوین اسلامی نیازمند «جهاد تبیین» و «رسانه مردمی» است. جامعه نبوی و جامعه اربعینی، هریک الگویی بی‌نظیر برای این حوزه ارائه می‌دهند.

۱. هجرت؛ روایت‌سازی از نقطه صفر

هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه هجرت کرد، با دو چالش بزرگ مواجه بود: ۱. روایت نادرست قریش از اسلام؛ آنان اسلام را اساطیرالاولین، سحر و جادو و عامل تفرقه معرفی می‌کردند.

۲. نبود رسانه و امکانات ارتباطی برای تبلیغ و گسترش معارف الهی اسلام.

در چنین شرایطی، پیامبر ﷺ برای شکل‌دهی به روایت تمدنی اسلام، سه راهبرد اساسی را درپیش گرفت:

راهبرد اول: ساخت مسجد به عنوان

«مرکز رسانه و گفتمان»

مسجد النبی فقط محل عبادت نبود؛

بلکه پایگاه تبلیغ، آموزش، قضاوت و صدور پیام به قبایل دیگر بود. از منبر مسجد، فرمان‌ها و معارف الهی و پاسخ به شبهات به مردم و قبایل گوناگون ابلاغ می‌شد. خداوند در سوره توبه، آیه ۱۰۸ می‌فرماید: «لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ»؛ «آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن [به عبادت] بایستی».

راهبرد دوم: مکاتبه با پادشاهان و

قبایل (دیپلماسی رسانه‌ای)

پیامبر ﷺ نامه‌هایی به امپراتوران ایران و روم و نیز سران قبایل نوشت و اسلام را معرفی کرد. این نامه‌ها، نخستین پویش (کمپین) رسانه‌ای بین‌المللی در تاریخ اسلام بود.

راهبرد سوم: تربیت مبلغ و فرستادن

به نقاط مختلف

«اصحاب صفه» نخستین طلابی بودند که پس از آموزش، به عنوان مبلغ به قبایل مختلف اعزام می‌شدند. این، الگوی «تولید محتوا و توزیع انسانی» بود. جامعه برآمده از هجرت نبوی نشان داد که حتی با کم‌ترین امکانات نیز می‌توان با

طراحی رسانه‌ای هوشمندانه، روایت حق را به گوش جهانیان رساند.

۲. اربعین؛ رسانه عظیم مردمی علیه اسلام هراسی

جامعه اربعینی، امروز بزرگ‌ترین «رسانه مردمی و زنده» در جهان اسلام است. بدون هیچ بودجه تبلیغاتی، تصاویر این راه‌پیمایی به سراسر جهان مخابره می‌شود و سیمای واقعی اسلام را به نمایش می‌گذارد. این، نمود عینی دستور قرآنی «كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ»^(۱) است. شهادت به عدالت، فقط در دادگاه نیست؛ بلکه هر مسلمانی باید در برابر تحریف‌ها و ظلم‌ها، با زبان و عمل خود شهادت دهد.

اربعین چگونه یک رسانه تمدنی است؟

۱. تصاویر خدمت و مهربانی: در جهانی که رسانه‌های غربی، اسلام را دین خشونت معرفی می‌کنند، اربعین با انتشار تصاویر موکب‌ها، اطعام رایگان، جفت کردن کفش زائران و ارائه خدمات پزشکی رایگان و بی‌منت، تصویری واقعی از اسلام را به نمایش می‌گذارد.

۲. شمایل معنویت و عشق: گریه‌ها، اشعار، دعاها و حالات معنوی زائران، تصویری از اسلام عاطفی و عاشقانه ارائه می‌دهد که در هالیوود و شبکه‌های سعودی دیده نمی‌شود.

۳. وحدت امت اسلام: اربعین صحنه حضور شیعه و سنی، عرب و عجم، پیرو جوان ازبکستان از هشتاد کشور جهان است. این تصاویر، روایت «تفرقه مسلمانان» را در هم می‌شکند.

۴. مقاومت و ایستادگی: پرچم‌های «لیک یا حسین علیهم السلام»، «مرگ بر آمریکا» و تصاویر شهدای مدافع حرم و غزه، پیام مقاومت در برابر استکبار را منتقل می‌کند. درباره رسانه بودن زائر امام حسین علیهم السلام، می‌توان این حدیث شریف از امام صادق علیهم السلام را مورد توجه قرار داد که فرمود: «زَائِرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُغْفَرُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَكُونُ مِنَ الَّذِينَ يَشْفَعُونَ لِلْخَلَائِقِ»^(۲) زائر امام حسین علیهم السلام، گناهان گذشته و آینده او بخشیده می‌شود و از کسانی خواهد بود که برای مردم شفاعت می‌کند.

شفاعت فقط در قیامت نیست؛ آغاز

۲. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، ص ۱۳۸.

۱. مائده/۸.

راه شفاعت در همین دنیا است. زائر امام حسین علیه السلام در این دنیا، با حضور خود در اربعین و نیز با انتشار تصاویر این حرکت، برای طالبان حق، «شفاعت» می‌کند و با این تلنگر، آنان را از غرقابه‌های گناه و روزمرگی نجات می‌دهد و آنها را دعوت می‌کند به اینکه شما نیز با پیوستن به امت حسین علیه السلام خود را به این دریای نور بسپارید.

۳. کاربرد امروزی برای طلاب و مبلغان در ماه صفر

دو جامعه نبوی و اربعینی، دوالگوی بی‌نظیر برای «مدیریت روایت و جهاد تبیین» هستند. در جامعه نبوی دیدیم که می‌توان از نقطه صفر و با حداقل امکانات، یک روایت تمدنی ساخت و آن را به گوش جهانیان رساند. اربعین نیز به ما نشان می‌دهد که با عشق، همدلی و عمل صالح، می‌توان بزرگ‌ترین رسانه مردمی جهان را در مقابله با اسلام‌هراسی به راه انداخت.

به فرموده رهبر شهید انقلاب علیه السلام، «جهاد تبیین یک فریضه فوری است»^(۱).

۱. بیانات قائد شهید علیه السلام در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش؛ مورخ: ۱۴۰۰/۱۷/۹.

طلاب و مبلغان، در ماه صفر که ماه غربت اهل بیت علیهم السلام است، وظیفه دارند با زبان، قلم، عمل و رسانه خود، روایت درست از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را به جهان ارائه دهند. اربعین و هجرت، چراغ راه ما هستند.

با الهام از هجرت و اربعین، شما مبلغان عزیز می‌توانید در ماه صفر یک «رسانه تمدنی زنده» باشید:

۱. هر مسجد را یک «موکب رسانه‌ای» ببینید: علاوه بر منبر، از فضای مجازی، کلیپ، پوستر و پیام‌رسان‌ها استفاده کنید.
۲. به جای مصیبت‌خوانی صرف، روایت تمدنی بگویید: از هر مصیبت (شهادت امام رضا علیه السلام و شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) یک پیام تمدنی استخراج کنید.

امام رضا علیه السلام با هجرت تمدن‌ساز خویش، به ما آموخت که حتی در برابر قدرت ظالم و فریبنده - مانند مأمون که با تظاهر به دوستی اهل بیت علیهم السلام، امام را به اجبار به مروکشانده - نباید از مسیر حق منحرف شد. هجرت اجباری ایشان، یک هجرت تمدنی بود. آن حضرت

به قصد دستیابی به حکومت رهسپار خراسان نشد؛ بلکه رفت که حقیقت را در مرکز خلافت فریاد بزند و درهای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام را به روی جهان بگشاید.

امروز نیز باید از امام رضا علیهم السلام بیاموزیم که با قدرت های زورگو و استکبار جهانی هرگز مماشات نکنیم و برای رساندن ندای حق به گوش مردم تلاش کنیم، و اگر لازم بود هجرت کنیم تا تمدن اسلامی زنده بماند.

همچنین، باید پیام تمدنی ولایت مداری را در شهادت پیامبرگرامی اسلام ﷺ تبیین کنیم. شهادت حضرت اگرچه مصیبتی جانکاه بود، اما امت اسلامی را متوجه این حقیقت کرد که «برنامه ولایت» و «تمسک به ثقلین» رمز بقای تمدن اسلامی است. براین اساس، ولایت فقیه استمرار مسیر هدایت عترت در عصر غیبت دانسته می شود و نظام جمهوری اسلامی، در این چارچوب، به عنوان تضمینی برای جلوگیری از تکرار فتنه سقیفه معرفی می شود.

۳. تصاویر زیبای اربعین را منتشر کنید: شما که در اربعین حضور داشته اید،

خاطرات، تصاویر و فیلم های خود را در کانال ها و صفحه های خود منتشر کنید. هر تصویر شما، یک رسانه است.

۴. با مخاطب خود «مواسات رسانه ای» کنید: پیام را متناسب با نیاز و فهم مخاطب برسانید؛ نه تحمیل، نه توهین و نه خسته کردن.

در پایان، شیوه تبلیغ را از امام رضا علیهم السلام بیاموزید که فرمود: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ مردم را با غیر زبان های خود، به حق دعوت کنید».^(۱)

اخلاق و رفتار زیبای شما، مانند خوش رویی، صبر، خدمت و پاسخ گوئی به شبهات بدون عصبانیت، مهم ترین رسانه شماست.

جمع بندی نهایی

تحقق تمدن نوین اسلامی، که آرزوی دیرینه انقلاب اسلامی و وعده الهی است، در گرو پنج رکن اساسی است؛ ارکانی که جلوه های عینی و عملی همه آنها را می توان در جامعه نبوی و جامعه اربعینی مشاهده کرد:

۱. عیون أخبار الرضا علیهم السلام، شیخ صدوق، نشر موسسه اعلی، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۵، ح ۳۰.

رکن اول؛ هجرت (حرکت ساختاری):

هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه، الگوی گذار از استضعاف به قدرت، از بحران به فرصت و از جامعه پراکنده به دولت متمرکز بود. هجرت به ما آموخت که رهایی از وضعیت نا عادلانه، مقدمه هر تمدنی است.

رکن دوم؛ اربعین (تحول درونی و

فرهنگی): اربعین حسینی، تمرین سالانه صبر، ایثار، مواسات، و تجدید بیعت با آرمان‌های عاشورا است. اربعین به ما می‌آموزد که تمدن بدون روح و عشق، پوچ و زودگذر است.

رکن سوم؛ مدیریت مردم‌محور و

شبکه‌ای: هجرت نبوی، با تکیه بر شورای مهاجران و انصار و تدوین صحیفه مدینه، و اربعین با هزاران موکب خودگردان اما هماهنگ، الگوی «تشکیلات افقی و غیرمتمرکز» را به نمایش می‌گذارند. در این الگو، دولت نقش تسهیل‌گر دارد، نه فرمانده؛ و خود مردم، مسئول اداره امور خویش‌اند.

رکن چهارم؛ تولید علم و قدرت از

دل نیاز: «صفه» در مدینه و نوآوری‌های فناوریانه در اربعین، نشان می‌دهد که علم

تمدنی، علمی حق‌محور، نیازمحور و مسئله‌محور است، نه نظریه‌پردازی صرف کتابخانه‌ای.

رکن پنجم؛ رسانه و روایت‌سازی

تمدنی (جهاد تبیین): جامعه نبوی با تأسیس مسجد به عنوان پایگاه رسانه‌ای، و نامه‌نگاری با پادشاهان، و تربیت مبلغان صفه، الگوی «مدیریت روایت از نقطه صفر» را ارائه داد. جامعه اربعینی امروز نیز بزرگ‌ترین رسانه مردمی جهان اسلام است که بدون بودجه تبلیغاتی، تصاویر خدمت، مهربانی، وحدت و مقاومت را به تمام جهان مخابره می‌کند و روایت نادرست غرب از اسلام (خشونت، عقب‌ماندگی، تفرقه) را در هم می‌شکند.

در یک کلام

هجرت نبوی، زیرساخت می‌سازد؛ هجرت اربعینی، روح می‌دمد؛ مدیریت شبکه‌ای، ساختار را منسجم می‌کند؛ تولید علم، قدرت می‌آفریند؛ و رسانه و روایت‌سازی، تمدن را عالم‌گیر می‌کند.

